

زیر ساخت های اخلاق اسلامی آداب تعلیم و تعلم از منظر رساله حقوق امام سجاد علیه السلام

زهرة جعفری^۱

راضیه حسینی^۲

نفسه سادات شیخ الاسلامی^۳

چکیده

در طول تاریخ و در بین جوامع انسانی مساله تعلیم و تعلم همواره مورد توجه بوده و ملازمت و پیوستگی معلم و متعلم در امر تعلیم موجب پدید آمدن حقوقی فی مابین شده است. امروزه در جوامع دانشگاهی رعایت حقوق متقابل استاد و دانشجو و کرامت بین آنان از منظر اخلاق اسلامی قدری فاصله گرفته. از آنجا که ارتباط معنوی استاد و دانشجو در تعلیم و تعلم اهمیت فراوانی دارد، در دین مبین اسلام منابع غنی برای معرفی این رابطه معنوی که از آن به حق معلم و حق متعلم یاد شده، موجود است. لذا هدف از این پژوهش توجه مجدد به این حقوق از منظر دین بخصوص از منبع ناب رساله حقوق امام سجاد (ع) بوده است. روش مقاله زیر مرور منابع مورد بررسی در این خصوص و تحلیل آنها بوده است. امام سجاد (ع) اشاره ظریف اندیشانه‌ای به لزوم کرامت استاد و متعلم به شکل متقابل داشته‌اند. به امید آنکه با یادآوری این حقوق و معرفی آن به همکاران و دانشجویان گرامی بار دیگر شاهد توجه بیشتر به این حقوق و معنوی تر شدن فضای معنوی تعلیم و تعلم باشیم

کلیدواژه‌ها

اخلاق اسلامی، حقوق، استاد، دانشجو، امام سجاد (ع)

-
- ۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، گروه میکروبیولوژی، اراک، ایران.
 - ۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر گروه الهیات و معارف اسلامی، ملایر، همدان، ایران.
 - ۳- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات-دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

طرح مسأله

سرآمد همه اهداف پیامبران و اولیای الهی، متخلق ساختن جامعه بشری به اخلاق الهی است. بنابراین تعلیم و تربیت عامل سازندگی انسان است. انسان در بدو تولد اوج ضعف و جهل است و خداوند با ارسال پیامبران و کتب، امکانات و استعداد های لازم را برای رسیدن به این هدف که همان کمال است هموار نموده. "والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیا و جعل لکم السمع و الابصار و الافتدظ لعلکم تشکرون" (النحل ۷۸) خداوند در سوره جمعه فلسفه بعثت و وظیفه پیامبر (ص) را اینگونه بیان می نماید:

" هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یتذکرهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین "

پیشرفت مادی و معنوی بشر در دو مفهوم معلم و متعلم معنی دارد، بنا براین این دو وظایفی را در مقابل هم خواهند داشت. دانشجو باید پیش از هر چیز در باره کسی که از او سرمایه علمی اش را بدست می آورد، و رفتار، اخلاق و جهان بینی خود را از او فرا می گیرد، مطالعه و بررسی کند و فردی را به عنوان استاد و الگو بر گزیند که، دینداری و پاکدامنی و صیانت نفس و دیگر فضایل اخلاقی را در او بیافزاید. معلم و مربی در هر جامعه ای مسوولیت سنگینی را بر عهده دارد. او باید خود را مجهز به ویژگیهایی کند تا بتواند دانشجویان را به رشد و تعالی برساند. دردین مبین اسلام منابع غنی برای معرفی این حقوق وجود دارد. از جمله ناب ترین این منابع رساله حقوق امام سجاد علیه السلام است. لذا هدف از این پژوهش توجه مجدد به این حقوق از منظر دین بخصوص از منبع ناب رساله حقوق امام سجاد(ع) بوده است. روش مقاله زیرمرور منابع مورد بررسی در این خصوص و تحلیل آنها بوده است. امام سجاد (ع) اشاره ظریف اندیشانه ای به لزوم کرامت استاد و متعلم به شکل متقابل دارند.

رساله حقوق امام سجاد علیه السلام مجموعه ای است از حقوق و وظایف انسان در برابر خدا، خود و خلق خدا، و اعمال عبادی و اعضاء و جوارح. امام سجاد علیه السلام خود تجسمی است از ایمان به اسلام و عمل به احکام و مقررات قرآن، و چه کسی شایسته تر از آن بزرگوار برای موعظه و آموزش اخلاق است. رساله حقوق مجموعاً دارای پنجاه حق است که نخستین آن، «حقاقله» و آخرین آن، «حق اهل ذمه» است. (سپهری، ۱۳۷۲ ص ۱۵۹).

از آنجا که امروزه در جوامع دانشگاهی متاسفانه رعایت حقوق متقابل استاد و دانشجو و کرامت متقابل از منظر اخلاق اسلامی قدری فاصله گرفته و کم رنگ شده است و باتوجه به اهمیت فراوان اخلاق اسلامی در مهمترین بخش جامعه یعنی مراکز تعلیم و تربیت که در واقع مرکز انسان سازی است، بر آن شدیم در این مقاله حق استاد و دانشجویان را از منظر آن امام همام علیه السلام بررسی نماییم. روش مقاله زیرمرور منابع مورد بررسی در این خصوص و تحلیل آنها بوده است، تا از

این رهگذر شاهد ارتباط مناسب و اسلامی استاد و دانشجو در تمام عرصه‌های آموزشی و پرورشی باشیم.

نوآوری که در این مقاله به چشم می‌خورد کاربردی کردن این موضوع است که در فضاهای آموزشی تا بحال کمتر به آن پرداخته شده است.

از مهمترین سوالات این تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود :

۱- آیا روشهای تعلیم و تعلم از نظر اسلام بخصوص در رساله حقوق امام سجاد علیّه السلام واجد زیر ساختهای اخلاقی هستند؟

۲- زیر ساختهای اخلاقی روشهای تعلیم و تعلم از نظر اسلام کدامند؟

۳- آیا در این زیرساختهای اخلاقی جنبه حقوق متقابل استاد و دانشجو از منظر رساله حقوق امام سجاد علیّه السلام مطرح است؟

۴- آن جنبه‌های حقوقی شامل چه مواردی می‌شوند؟

۵- وظایف متقابل استاد و دانشجو چگونه تقویت می‌شوند؟

محتوی اصلی مقاله

از جمله مباحثی که مورد نظر اساتید اخلاق است توجه ، به حقوق استاد می‌باشد و در مقابل ، حقوقی که بر عهده او نسبت به شاگردانش است، که با اهمیت دادن به این حقوق انسان می‌تواند به مقامات علمی بالایی دست یابد و از اینرو جنبه‌ها یی از این بحث در این مقاله مطرح می‌شود.

۱ - حق استاد (رهبر علمی)

فاما حق سائسک بالعلم فالتعظیم له و التوقیر لمجلسه و حسن الاستماع الیه و الإقبال علیه و المعونه له علی نفسک فیما لا غنی بک عنه من العلم بان تفرغ له عقلک و تحضره فهمک و تذکی له (قلبک) و تجلی له بصرک بترک اللذات و نقص الشهوات و ان تعلم انک فیما القی (إلیک) رسوله إلی من لقیک من اهل الجهل فلزمک حسن التادیبه عنه إلیهم و لا تخنه فی تادیبه رسالته و القیام بها عنه إذا تقلدتها ولا حول و لا قوه الا بالله .

ترجمه : اما حق کسیکه ترا تعلیم می‌دهد بر تو آن است که در تعظیم و تکریم و احترام او کوتاهی نکرده؛ محضر و مجلس او را بزرگ شماری و به نحو احسن به گفتار او در حال درس گوش فرا دهی و با پیشانی باز از گفتارش و درسش استقبال کنی . برای آنکه بتواند در آموزش تو موفق باشد تو خود نیز استاد را در این امر کمک کن به این بیان که در حال درس و شنیدن سخنان استاد ؛ ذهننت را کاملا آماده کن و دقت داشته باش و قلب و دلت را برای پذیرش آنچه میشنوی پاک بگردان و خاطرات را در آن حال فراموش کرده به لذایذ و امور شهوانی فکر نکن . و بدان که تو از طرف معلم و استاد رسالت داری تا آنچه را که از او می‌آموزی به غیر خودت

منتقل نمائی و باید همانطور که شنیده ای به دیگران انتقال دهی و چیزی از آن کم یا به آن اضافه نکنی و قوتی نیست مگر به خداوند متعال .

در کنار فرمایشات امام سجاد علیه السلام، در این زمینه آیات و روایات دیگری نیز نکات دقیق این گفتار نورانی را بیشتر روشن می نمایند که در اینجا به آنها پرداخته می شود:

الف) اهمیت علم و ارزش عالم

یکی از ارزش‌های اسلامی در قرآن، «علم و دانش» است، آیه شریفه ذیل اشارتی زیبا دارد: هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...» (زمر/ ۹)
 "آیا دانایان و نادانان با هم برابرند؟"

آیا کسانی که در تحصیل فضایل و آگاهی‌های مفید و مؤثر در کمال خویش گام بر می‌دارند، با گروهی که از حیات جز خواب و خوراک و... چیزی نمی‌دانند برابرند؟ شکی نیست که برتری و ارجحیت، از آن کسانی است که در راه تحصیل علم گام بر می‌دارند، و ساعت‌هایی را به تعلیم و تعلم سپری می‌سازند و از دیار جهالت و لو چند قدم در شبانه روز به سوی عالم علم و نور، هجرت می‌کنند.

در دین مقدس اسلام و سیره عملی پیامبر و اهل بیت همواره بر تکریم علما و دانشمندان دین تأکید شده است. چنانکه امام موسی کاظم - علیه السلام - فرمودند: "قَعَّظُمُ الْعَالِمَ لِعِلْمِهِ وَدَعَّ مُنَازَعَتَهُ" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۵۱)؛ عالم را به جهت علمش تعظیم و احترام کن و با او منازعه منما

همچنین پیامبر - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - می فرمایند: اَكْرِمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ (پاینده، ۱۳۹۳، حدیث ۴۵۰)

دانشمندان را گرامی دارید که آنها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام نماید، خدا و رسولش را احترام نموده است. و حضرت علی علیه السلام نیز در این راستا فرمودند:

مَنْ وَقَّرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَّرَ رَبَّهُ (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۳۵۱)؛ کسی که به عالمی احترام نماید، به خدا احترام نموده است .

البته باید توجه داشت که یکی از علل احترام و تکریم معلم، اهمیت و ارزشمندی علم است و علم بعنوان یک امر وجودی بهتر از جهل و نادانی است. بنابراین عقل سلیم حکم می کند دانایان نباید برابر و همسنگ جاهلان باشند چنانکه گفته شد (در سوره زمر آیه ۹) پس یکی از اهداف سفارش به تکریم معلم، رشد و پیشرفت علم و در نتیجه پیشرفت جامعه اسلامی است.

باید به این نکته توجه نمود که این احترام و توجه به انحراف کشیده نشود و تبدیل به تبعیت و تقلید کورکورانه نگردد به صورتی که بزرگی یک عالم در چشم شاگردانش به صورت ناخودآگاه موجب خودکم بینی دانشجو شده تا جایی که جرات و جسارت اندیشیدن از آنان گرفته

شود و به جای اینکه موجب پیشرفت گردد باعث رکود شده و جامعه اسلامی را از دست یافتن به نوآوریهای علمی باز دارد.

۱-۱- اختیار در انتخاب استاد

در صورتیکه دانشجو بتواند در انتخاب استاد اختیار داشته باشد به طور طبیعی دلدادگی به درس او نیز بیشتر خواهد شد و همچنین حرمت و احترام آن استاد را بیش از سایر اساتید رعایت خواهد نمود (رهنما، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

عموماً در حوزه‌های علمیه مرسوم بوده است که طلبه‌ها با رعایت سرفصلهای دروسی که باید بیاموزند هم در انتخاب استاد و هم در انتخاب محتوی درسی در چارچوب تعیین شده اختیار انتخاب داشتند، حتی ذر برخی از موارد به ریاضیات و نجوم نیز می پرداختند. این اختیار موجب دلگرمی و ایجاد علاقه فراوانتر در طلاب نسبت به محتوی دروس و مدرسین آنها می گشت که دلدادگی و توجه به درس استاد و تعظیم و تکریم او را به ارمغان داشت. چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در خاطرات خود چنین می گوید:

" طلبه قدیمی، بین ده نفر استاد، یک استاد را انتخاب می کرد و بعد نوکر آن استاد می شد. ما ها نوکر استادمان بودیم. حاضر بودیم واقعا نوکری اساتید را بکنیم، دستشان را می بوسیدیم، احترامشان می کردیم و از ته دل به آن‌ها محبت می ورزیدیم. طلبه این طوری بود. زمان‌های قبل از ما هم، همین طور بود. آن وقت «آداب‌المعلمین» به ما می گفت که در تاریکی، یک شانه از استادتان جلو تر بروید تا اگر چاه است، شما بیفتید و استادتان نیفتد، طلبه در مقابل استاد، با ادب بود. نه این که احساس صمیمیت نباشد. خیر، استاد خیلی هم صمیمی و مانند پدر بود؛ اما این پسر در مقابل استادش، با کمال ادب رفتار می کرد" (نسیم هدایت، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

پس اگر در دانشگاه‌ها و محیطهای آموزشی رعایت سلیقه و گرایشهای علاقه مندی دانشجویان مورد توجه قرار گیرد، این اجازه انتخاب و احساس رضایتمندی موجب رعایت قوانین و مقررات از جمله حرمت استاد و دانشجو خواهد شد.

و اما شهید ثانی اینگونه می فرماید: " بر دانش پژوه لازم است که در مقابل استاد، همراه با ادب، آرامش، فروتنی و افتاده‌حالی، بنشیند، در حضور استاد به دیوار یا پشتی یا از این قبیل، تکیه ندهد و... در محضر استاد، در گوشه صحبت نکند؛ با چشم به کسی اشاره نکند؛ بی دلیل سخن نگوید؛ سخن خنده‌آور یا مبتذل و هرآنچه را که حاوی بی ادبی یا گفتمان ناروا است، بر زبان نیارد؛ تا اجازه نگرفته است، لب به سخن نگشاید؛ بی دلیل و بدون آن که استاد بخندد، نخندد؛ اگر نتوانست جلوی خنده خود را بگیرد، به تبسم، آن هم بدون هیچ صدایی بسنده کند، او باید بداند که فروتنی در برابر استاد، مایه عزت مندی، افتخار و بلند مرتبگی است و بزرگداشت حرمت وی، به پاداش الهی می انجامد و اهتمام به خدمت او شرافت آمیز است. (نسیم هدایت،

نتایج پژوهشی نشان داده که معیارهای فردی مانند فن بیان، حرکات، طرز راه رفتن، مقررات حین تدریس، طراحی تدریس، تجربه و اطلاعات به روز داشتن یک مدرس بعنوان ملاک های مهم یک استاد توانمند می باشند. (فصلنامه پژوهشهای تربیت اسلامی، ۱۳۸۶)

۱-۲- تکریم استاد

آموزش عالی به عنوان یک نهاد آموزشی مهم، در امر تربیت اخلاقی دانشجویان و جوانان نقش به سزایی دارد. از آنجا که اعضای هیات علمی دانشگاه ها نقش اصلی را در اداره و هدایت امر آموزش بر عهده دارند، به عنوان مهمترین گروه مسئول در تربیت اخلاقی دانشجویان شناخته می شوند.

فضا و جو حاکم بر آموزشگاه در امر آموزشی اگر فرمایشی و اجباری باشد خود عاملی برای عدم تکمیل استاد بوده و زمینه ساز تجری نسبت به اساتید را فراهم می آورد که این با آموزه های دینی مغایرت داشته و با فرمایش حضرت علی علیه السلام که فرمودند: ((قم عن مجلسک لایبک و لمعلمک و لو کنت امیرا)) بسیار فاصله پیدا می کند. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۰۳).

همچنین اقدامات تربیتی خانه و آموزشگاه و هماهنگی بین روشهای این دو در روند آموزش و تربیت از عوامل اساسی دیگر در جهت ثمر بخشی و نهادینه شدن تکریم و احترام استاد بین فراگیران خواهد بود. رواج آموزه های دینی در خانواده و تربیت اسلامی این نهاد بر مبنای رعایت حرمت بزرگتران بر اساس حدیث شریف: ((«وقرّوا کبارکم و ارحموا صغارکم»؛ بر کودکانتان ترحم و مهربانی کنید و بزرگانتان را گرمی بدارید.)) (حر عاملی، ج ۱۵، ص ۲۰۱) و روایت شریف دیگر ((من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبدا)) (بحارالانوار: ۲/۴۴ ح ۱۳)؛ کسی که به من یک حرف بیاموزد پس محققاً مرا بنده گردانیده است، موجبات تکریم و تعظیم استاد را فراهم می کند. (رهفصلنامه پژوهشهای تربیت اسلامی، همان، ص ۱۲).

از اینرو اگر در محیطهای آموزشی کلیه افراد واجد خصوصیات و مولفه های یک مجموعه تربیتی دینی بوده باشند و همکاری و همفکری بین آنان حاکم باشد، محیط عاری از تشنج خواهد شد و این جو یکرنگی و یکدلی، در آموزش فراگیران تاثیر عملی جدی نیز خواهد گذاشت.

ب) استماع و اقبال به درس استاد

از دیگر حقوقی که در فرمایشات گهربار امام سجاد ((علیه السلام)) دیده می شود، گوش فرادادن و با روی باز به استقبال درس استاد رفتن است. حضرتش در این بیان لفظ و استماع را به کار برده اند که فرق آن در زبان عربی با کلمه ((سماع)) در اینست که در استماع نوعی دقت و

دلدادگی و تعهد به فراگیران وجود دارد به خلاف ((سماع)) که به گوش خوردن و رها شدن مطالب از قلب و روح است. (لغت نامه دهخدا)

این موضوع نه تنها ادب دانشجو در برابر استاد را نشان می دهد بلکه راهی است برای بهره مندی بیشتر متعلمین از محضر معلم است. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: زمانی که در نزد دانشمندی نشست، پس بر شنیدن نسبت به گفتن حریص تر باش و خوب گوش دادن را بیاموز همانگونه که خوب گفتن را می آموزی و سخن هیچ کس را قطع نکن. (الکلینی، ۱۴۱۴، ج ۱، حدیث ۱)

در روایات بسیاری بزرگداشت عالمان و اندیشمندان مورد تاکید قرار گرفته است پیامبر (ص) میفرماید: حرمة العالم العامل بعلمه كحرمة الشهداء و الصديقين: در این حدیث حرمت عالمان همانند و همسنگ حرمت شهیدان و صدیقین معرفی شده است. (ورام، ۱۳۷۸، ص ۲۳۳) در روایات دیگری پیامبر از شاگردان و متعلمان خواسته اند که همچون ملائکه که در برابر اهل علم تواضع کنند و بالهای خود را زیر پای عالمان گسترانند، عالمان را بزرگ داشته و بر صدر تشاند. در برخی از روایات اکرام عالمان به منزله اکرام و احترام به خداوند تلقی شده است (من اکرم عالماً فقد اکرمی و من اکرمی فقد اکرم الله و من اکرم الله فمصیره الی الجنة). (ری شهری) و توجه به روایت شریف دیگری که می فرماید: «من تعلمت منه حرفاً صرت له عبداً» یعنی هر کسی که یک حرف از او بیاموزم، عبد او می گردم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۱۶۵)، موجبات تکریم استاد را فراهم می کند (رهنما، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

از اینرو اگر در محیطهای آموزشی کلیه افراد واجد خصوصیات یک مجموعه تربیتی دینی بوده باشند و همکاری و همفکری بین آنان حاکم باشد، محیط عاری از تنشج خواهد شد و این فضای یکدلی در آموزش فراگیران تاثیر عملی جدی خواهد گذاشت.

ج (رسالت انتقال آموزه های استاد با رعایت اصل امانت داری

امام سجاد علیه السلام در قسمت پایانی فراز حقوق استاد بر شاگرد از رسالتی صحبت به میان می آورند که باعث نشر علوم آموخته می شود، یعنی انتقال آن آموزه ها به دیگران منتهی به گونه ایی که چیزی به آن افزوده و یا کم نگردد.

همانطور که در روایات داریم که برای هر چیزی زکاتی است و زکات علم پراکنده ساختن آنست: «زکاه العلم نشره» (آمدی تمیمی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۰۴). نشر علم از واجبات حقوقی محسوب می شود از این رو یک عبادت است و باید دارای ویژگیهای یک عبادت صحیح. مقبول باشد؛ یعنی با اخلاص انجام گیرد و نهایت سعی و تلاش در صحت عمل عبادی در نظر گرفته شود؛ همچون پیامبر گرامی (ص) که وحی را بدون کم و زبیلد و با حفظ کمال امانت داری به بندگان منتقل نمودند. آنجا که قرآن می فرماید: ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى (

۲ - حق متعلم بر استاد

«و اما حق رعیتک بالعلم؛ فان تعلم ان الله قد جعلک لهم فیما آتاک من العلم؛ و ولاک من خزانه الحکمہ؛ فإن احسنت فیما ولاک الله من ذلک و قمت به لهم مقام الخازن الشفیق؛ الناصح لمولاه فی عبیده؛ الصابر المحتسب الذی إذا رای ذا حاجه اخرج له من الاموال التی فی یدیه کنت راشدا؛ و کنت لذلك أملا معتقدا؛ و إلا کنت له خائنا و لخلقه ظلما و لسلبه و عزه متعرضا».

«اما حق جاهل بر عالم یا متعلم بر معلم آنست که بداند خداوند متعال او را امام و راهنما قرار داده است به جهت علمی که به او عطا نموده است و کلید خزانه حکمت را به دست او داده است؛ پس اگر با آنها که نمی دانند احسان و نیکی نمود و از علمی که خداوند به او عطا نموده با مهربانی به آنها آموخت و در نصیحت و راهنمایی آنان با صبر و حوصله قدم برداشت؛ و برای نجات جامعه از جهل و نادانی؛ از خزانه علمی که خدا در اختیار او گذاشته است انفاق کرد؛ این عالم و معلم هدایت شده و هدایت گر است و از روی اعتقاد و ایمان؛ خدمتکار جامعه انسانی است اما اگر از آنچه می داند انفاق نکند و علم خود را از دیگران دریغ بدارد؛ خیانتکار بوده و نسبت به خلق خداوند ظالم محسوب می گردد»

امام سجاد (ع) در این بیان می فرماید: و اما حق آنان که در علم دانش آموزتوانند، این است که بدانی خدای عزوجل با علمی که به توداده و گنجینه هایی که بر تو گشوده، تورا سرپرست آنان کرده است. پس اگر آنان را نیکو تعلیم دهی و بر آنان درشتی نکنی و برایشان خشم نگیری خدا به فضل خویش، علمت را می افزاید. و اگر علم خود را از مرد بازگیری یا هنگامی که از تو آموختن علم می خواهند با آنان بادرشت خوبی رفتار کنی، بر خداست که علم و نورانیت آنرا از تو بازگیرد و منزلتت و راز دلهاساقط کند.

امام سجاد علیه السلام در این فراز از فرمایش خود نسبت به حقوقی که شاگرد بر عهده استاد دارد ابتدا از جنبه توحیدی بر استاد لازم می دانند که هر آنچه را از علم و فضل دارد را از جانب خداوند و یک عطیه الهی بدانند و متوجه باشد که آن خدای یکتا او را پیشوا و رهبر علمی شاگردانش قرار داده است و طی آن می تواند این مقام را از او بگیرد و آن کلید حکمت را از او سلب نماید و در ادامه از او خواسته است که در مسیر تعلم از در نیکی و احسان وارد شود و به انفاق علم خود از روی اعتقاد و ایمان بی دریغ بپردازد که در غیر اینصورت خیانتکار و ظالم محسوب می شود.

انسان‌ها برای دست یازیدن به رفتار و فضائل اخلاقی نیاز دارند که تربیت شوند و آموزش ببینند و لازمی چنین تربیتی، بهره بردن از محضر استادی است که خود آراسته به فضائل

اخلاقی باشد. نخستین گام در رشد اخلاقی دانشجو، توجه به خودپیرایی و جان‌آرایی استاد یا همان تخلق به اخلاق فردی و گام دوم تلاش در جهت تبلور عینی اخلاق در بروز رفتارهاست. لذا ضروری است اساتید با تجهیز کردن خود به عنصر تهذیب، آراسته به منش اخلاقی شده و توجه بیش‌تری به جنبه‌های رفتاری خود داشته و بدانند که صرف‌نظر از رشته‌ی تخصصی که تدریس می‌کنند یکی از عوامل مؤثر و تعیین‌کننده‌ی رشد فضایل اخلاقی در دانشجویان هستند. (ایمانی پور، ۱۳۹۱، ص ۸۸)

در اندیشه دینی، همواره تعلیم، تذهیب، دانایی و دینداری همزاد و همراهند و پیرایش نفس، اولین و مهم‌ترین اصل اخلاقی است که یک استاد باید به آن عمل کند.

حسن خلق مربی عامل تعیین‌کننده است در کنار آن ابراز محبت به مربی می‌تواند مربی را محبوب کند. این دو عامل (ابراز محبت و حسن خلق) راه را برای تعامل استاد و دانشجو هموار می‌کند. در چنین فضایی دانشجو انگیزه پیدا می‌کند که حرف دل خود را به استاد و مربی اش بگوید، با او درد و دل کند و از مسائل شخصی اش حرف بزند و درباره روابط و مشکلاتش با استاد مشورت کند. در یک کلام دانشجو باید روی گشاده استاد را به روی خود احساس کند. اگر دانشجو و دا طلبه، استاد خود را بی‌حوصله یا تلخ و بد اخلاق ارزیابی کند به او نزدیک نمی‌شود و نسبت به مشکلات و مسائل خود آگاهی نمی‌کند و این روند تربیتی آموزشی استاد وقفه ایجاد می‌کند و تمام زحمات او از بین می‌رود. (بنی هاشمی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۰۸)

انتخاب استاد شایسته و وارسته همیشه مورد تاکید و توجه وافر اولیای دین بوده است. امام باقر (ع) در تفسیر آیه شریفه "فالی نظر الانسان الی طعامه" (پس بر هر انسانی است که به غذای خود بنگرد) "و در پاسخ به این سوال که منظور از طعام در این آیه چیست، می‌فرماید: علمه الذی یاخذہ عنہ یأخذ".

یعنی منظور از طعام در این آیه علم است. انسان باید مواظب باشد که از چه کسی علمش را می‌گیرد. (الکلبینی، ۱۴۱۴، ج ۱، باب النوادر، حدیث ۸). بنابر این تاثیر استاد و نوع نگرش و جهانبینی و ایدئولوژی او در شاگردان به نحوی است که جای هیچگونه شک و تردیدی نمی‌ماند تجربه نشان داده است که متعلم هر اندازه که مقاومت نماید نمیتواند از تاثیر گذاری آشکار و نهان استادان در زندگی خود جلوگیری کند.

هر متعلمی تا آنجا که شرایط به او اجازه میدهد باید به دنبال استاد شایسته باشد. حال این سؤال مهم طرح است که این استاد چه کسی و با چه شرایط و ویژگیهایی باشد؟ پیامبر (ص) میفرماید: لا تقعدوا الا الی عالم یدعوکم من ثلاث الی ثلاث: من الکبر الی التواضع و من المداهنه الی المناصحه و من الجهل الی العلم. در این حدیث پیامبر (ص) یک معلم شایسته را کسی می‌داند که شاگردان خود را: ۱- از تکبر به تواضع دعوت می‌کند ۲- از حيله گری و

چاپلوسی به خلوص و خیرخواهی فرا می‌خواند ۳- از جهل به علم می‌کشاند. (ورام، ۱۳۷۸، جلد ۲، ص ۲۳۳) بنابراین استاد شایسته کسی است که با رفتار خود دانشجو را به کسب فضایل ترغیب و از آلودگی به رذایل اخلاقی دور کند. استاد شایسته استادی است که دیدن او انسان را به یاد خدا اندازد و سخن گفتنش بر علم دانشجو بیفزاید.

از طرفی استاد لازم است انگیزه علم آموزی را در شاگرد با خلق نیکو فراهم کند و با صبر و حوصله از پرسش و انتقاد دانشجویان تاب مقاومت را از دست ندهد و هرگز نباید از پرسشهای دانشجویان خسته و یا ناراحت شود و باید بداند که پاسخ دادن به پرسشهای دینی و اخلاقی و علمی دانشجویان ثوابی بس بزرگ دارد. همچنانکه حضرت زهرا (س) ۹ اجر پاسخ به هر سوال را برخوردار می‌باشد از آنچه در میان زمین و عرش الهی وجود دارد را از سوی خداوند می‌داند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، باب ۸، حدیث ۳). همچنین در قرآن کریم ذکر شده است: «الْمَنْ نَشَرَ لَكَ صَدْرَكَ»: «آیا برای تو سینه‌ات را نگشاده‌ایم» (تفسیر آیه ۱). از اینرو استاد باید در امر آموزش هر آنچه را که در بردارد بدون دریغ کردن انفاق نماید. استادی که از این نعمت برخوردار باشد غرور علمی نیز او را در بر نخواهد گرفت و همچون پیامبران که اجر و پاداش خود را بر خدا می‌دانستند " لا اسئلكم اجرا الا اجرى على الله " (هود / ۲۹) طالب توقع بیجایی از شاگرد نیستند. همچنین مطالب علمی سطح بالا را همچون خداوند متعال تنزل و تنزیل داده تا دانشجویان بتوانند آن را بخوبی جذب نمایند. سیره پیامبران نیز اینگونه بوده که به قدر عقول مردم با آنان تکلم می‌کردند. در کلام گهر بار امام سجاد (ع) در رابطه با دانشجو بر استاد نوعی تقید با ارزشها و خود ساختگی به چشم می‌خورد: اینکه غرور علمی او را نگیرد و آنچه هنر علم و فضل را دارا است را از خداوند متعال ببیند: " ما عندكم من حسنۃ فمن الله " (نساء / ۷۹) در برابر این لطف الهی خود را قلبا سپاسگذار وی بداند و به نعمت بودن نعمت اقرار کند و خداوند را منعم اصلی خود بداند و همه چیز را وابسته به او بشناسد و در همه شئون خود را مدیون و ممنون وی ببیند و بداند که هر لحظه ممکن است این علم و فضل از او گرفته شود و در اوج شکر گذاری نسبت به خداوند متعال خود را از سپاس وی عاجز ببیند و به این عجز و ناتوانی خوش اقرار کند. چنانچه در روایات این مضمون وارد شده است. (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۹۹) و بدین ترتیب ایمان خود را کامل کرده است چرا که ایمان دو نیم است نیمی از آن در صبر و نیم دیگر در شکر است.

البته نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که معلم فقط در محدوده علم و محفوظات خویش پاسخ گوی پرسشهای متعلمین می‌باشد و در غیر اینصورت اگر با پرسشی مواجه شد که جواب آن را نمی‌داند باید با صراحت تمام آن را ابراز کند و نباید متکلفانه به پاسخ بپردازد و باید بداند که با گفتن نمیدانم نه تنها از ارزش او کاسته نمی‌شود بلکه حسن نیت و

مسوویت شناسی خود را در برابر دانشجویان نشان می دهد .

امام صادق (ع) در مذمت کسانی که هیچ پرسشی را بدون پاسخ نمی گذارند می فرمایند :
ان من اجاب فی کل ما یسئل عنه لمجنون (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ص ۱۱۷ ، حدیث ۱۵)
در روایات آمده است اگر کسی نا دانسته و از روی جهل پرسشهای دینی مردم را پاسخ
دهد مورد لعن و نفرین همه فرشتگان خواهد بود :

من افتی الناس بغير علم و لا هدی من الله لعنه ملائکه الرحمه و ملائکه العذاب و لحقه
وزر من عمل بفتیاه (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ص ۱۲۰ ، حدیث ۲۳)

اما نکته آخر اینکه استاد بدانند در عصر غیبت ، متریبان امانتهای الهی هستند که باید در
حفظ و تربیت آنان دست توسل به دامان اهل بیت علیه السلام گرفته و با تمسک از شیوه آنان
در مسیر اهل بیت علیه السلام آنان را پرورش دهد چنانکه در زیارت جامعه کبیره فرموده: « وَ فَازَ
مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَ آمِنَ مِنْ لَجَأِ إِلَيْكُمْ ». " آن که به شما تمسک جست کامیاب گردید و آن که
به شما پناه آورد، ایمن گشت " (من لا یحضره الفقیه: ج ۲ / ص ۶۱۳). (بنی هاشمی ، ۱۳۹۱ ، ص
۳۲۶-۳۲۸)

این همه تکریم و احترام نسبت به عالمان در فرهنگ دین، بدین جهت است که آنان
انسان‌های متعهد، راهنمای مردم، مخالف بدعت‌ها، پاسدار اندیشه‌های ناب، طرفدار حقوق
محرومان، روشن‌کننده‌ی چراغ امید در دل آنان و... هستند و گرنه، این همه تکریم برای کسانی
که از تعهد و مسئولیت بهره‌ای نبرده‌اند معنا ندارد .

کسی که اندک آشنایی با تاریخ حوزه‌ها داشته باشد، می‌داند که تنها عالمان الهی بوده‌اند
که از میان مردم برخاسته‌اند و همراه آنان زندگی کرده‌اند و در غم و شادی شریک آنان بوده‌اند و
هر جا خطر و دشواری بوده است، خود را سپر بلا نموده و از شرافت و عزت مردم دفاع کرده‌اند.
اینها و صدها ویژگی دیگر، زمینه‌ی تجلیل و تکریم از علمای صالح و راستین را فراهم نموده
است. در اندیشه دینی همواره تعلیم، تهذیب، دانایی و دینداری همزاد و همراهند و پیرایش نفس،
اولین و مهم‌ترین اصل اخلاقی است که یک استاد باید به آن عمل کند

با توجه به بیانات گهر بار امام سجاد (ع) میتوان گفت که اهمیت مقام استاد از منظر امام
سجاد (ع) تا بدان حد است که ایشان کرامت نهادن به استاد را تا حد گواهی با ارزش فرشتگان
به کرامت نهادن به استاد آنها برای رضای خدا نشان داده اند که حالتی بسیار معنوی است و
جالب توجه است که این حق را بالاتر از حقوق والدین و پیش از آن عنوان نموده اند.

واما حق آنان که در علم دانش آموزتوانند، این است که بدانی خدای عزوجل با علممی که به
توداده و گنجینه‌هایی که بر تو گشوده، تورا سرپرست آنان کرده است. پس اگر آنان رانیکو تعلیم دهی
و بر آنان درستی نکنی و برایشان خشم‌نگیری خدا به فضل خویش، علمت را می افزاید. واگر علم

خود را از مرد بازگیری یاهنگامی که از تو آموختن علم می خواهند با آنان بادرستخویی رفتار کنی، برخداست که علم و نورانیت آنرا از تو باز گیرد و منزلت و راز دلها ساقط کند. (سپهری ۱۳۷۲، ص ۱۹۵)

و اما در خصوص حق دانشجو ، مسئولیت معلم در برابر متعلم بسیار سنگین تر است . او با پذیرش مسئولیت همه جانبه تعلیم و تربیت دانشجو باید به تناسب مراحل رشد آنها آنچه مورد نیاز و خیر است را به آنها تعلیم دهد و از هر جهت در آموزش صحیح و پرورش نیکوی آنها کوشش نماید . لزوم پذیرش این مسئولیت از ناحیه معلم در متون حدیثی زیادی مطرح شده از جمله :

امام صادق (ع) می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در وصایاتش به علی علیه السلام فرمود :

یا علی ثلاث من حقایق الایمانبذل العلم للمتعلم (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ج ۲ ، ص ۱۶ ، حدیث ۲)

سه چیز از ایمان حقیقی ناشی می شود یکی از آنها تعلیم علم به متعلم است . در تعبیر دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعلیم به متعلم رت به عنوان پرداخت علم لازم شمرده و می فرماید :

زکاة العلم من لا یعلمه (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ص ۲۵ حدیث ۸۰)

پرداخت زکات علم تو این است که آن را به کسی که نمیداند بیاموزی .

البته معلم برای اینکه بتواند مسئولیت خود را در تعلیم به نحو صحیح انجام دهد باید نسبت به موضوعی که تدریس می کند آگاهیهای لازم و کافی را کسب نماید و باید همیشه در حال تعلم باشد و از تجربه و علم دیگران استفاده نموده و به علم خود بیفزاید امام حسن (ع) میفرماید:

علم علمک و تعلم علم غیرک فتکون قد اتقنت و علمک و علمت ما لا تعلم (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ج ۷۸ صفحه ۱۵)

علمت را به دیگران آموزش بده و علم دیگران را نیز فرا بگیر چون با آن علمت را پر بار می سازی و نسبت به آنچه می دانستی علمت را افزایش می دهی .

از دیگر حقوق متعلمین این است که معلم از فنون و روشهای تعلیم و تربیت آگاهی پیدا کند و در تعلیم خود بکار گیرد . پیامبر (ص) میفرماید :

رحم الله خلفایی فقیل : یا رسول الله و من خلفائک ؟ قال : الذین یحیون سنتی و علمونها عباد الله (مجلسی ، ۱۴۰۳ ، ج ۲ ص ۲۵ حدیث ۸۳)

از حدیث مذکور چنین برداشت می شود که : رحمت خدا بر کسی که اعمال و افکار و

آداب اهل بیت را احیا کند راوی گفت چگونه امر شما را احیا نماید، فرمود: علوم ما را یاد بگیرد و به مردم تعلیم دهد، مسلماً اگر مردم به زیباییهای کلام ما توجه کنند از ما پیروی خواهند کرد. معلم باید سعی کند دانشجویان به روش عقلانی و منطقی تربیت شوند تا عقیده و اندیشه حق را از باطل تشخیص دهند و بهترین اندیشه‌ها را انتخاب نمایند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: تقریبوا الی عالم یدعوکم... من الشک الی الیقین... (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲ ص ۲۵ حدیث ۲۰)

از عالمی بهره بگیرید که شما را از شک به یقین فرا می‌خواند.

از دیگر حقوق متعلمین این است که معلم نیازها و تواناییها و تفاوت‌های متعلمین را بشناسد تا زمینه مناسب را برای تعلیم وی فراهم سازد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

انا معاشرالانبیاء نکلّم الناس بقدر عقولهم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱ ص ۱۰۶ حدیث ۴)
امام سجاد علیه السلام در دامان وحی پرورش یافته و ایشان رفتار معلم را همچون والدینی دلسوز بیان نموده که نیکویی را اولویت قرار داده و حتی درشت‌خویی بر متعلم را باعث بازگیری نور معنوی مقام معلم از دل استاد دانسته‌اند که امری بسیار حساس است.

در زمینه لزوم توجه اخلاق اسلامی برای تدریس می‌توان اینگونه بیان نمود که بسیاری از دانشگاه‌های جهان در راستای فراهم کردن یک مجموعه از ضوابط و استانداردهای اخلاقی که همه‌ی افراد به آن معتقد باشند و افزایش پایبندی به اصول حرفه‌ای، برای شاغلین حرفه‌ی معلمی یک مجموعه راهنما از کدهای اخلاقی تدوین کرده‌اند. التزام اساتید به رعایت استانداردهای آموزشی، آشنایی با اصول تدریس و کلاس داری، تقید به مسؤولیت‌های حرفه‌ای، رعایت انصاف و عدالت، احترام و ادب، دلسوزی و صداقت در برخورد با دانشجویان و همکاران از جمله‌ی این کدهای اخلاقی هستند. اما آن‌چه مهم است این‌که با مقایسه‌ی این کدهای اخلاقی جهانی و دستورات دینی اسلام در زمینه‌ی اخلاق آموزش در می‌یابیم که مجموعه‌ی این کدها چیزی بیش از آموزه‌های دینی و توصیه‌های اخلاقی اسلام در امر تعلیم و تربیت نیست، بلکه گستره و دقت و ظرافتی که در مبانی اخلاق حرفه‌ای معلمی برگرفته از اخلاق اسلامی وجود دارد آن‌چنان وسیع و جهان‌شمول است که می‌تواند به‌عنوان خط مشی و دستورالعمل اخلاق آموزش در هر فرهنگ و هر رشته‌ای مورد ارجاع و استفاده قرار گیرد (ایمانی پور ۱۳۹۱، ص ۸۸).

با توجه به منابع دینی و رساله حقوق امام سجاد (ع) صفاتی که برای استاد نمونه از منظر

تعلیمات دینی می‌توان نام برد شامل موارد ذیل است (مظفری، ۱۳۸۹):

۱- خلوص نیت:

خداوند در آیه ۱۰۴ سوره کهف فرموده:

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا :

با آنان [کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند، همانطور که امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: در نصیحت و راهنمایی آنان با صبر و حوصله قدم برداشت... این عالم و معلم هدایت شده و هدایت‌گر است و از روی اعتقاد و ایمان؛ خدمتکار جامعه انسانی است بنا بر این معلم با ید بکوشد با خلوص نیت و رنگ و بوی الهی کار خود را زینت بخشد و اجر خود را در محضر خدامند رفیع‌گر داند.

۲- انفاق علم:

در اصول کافی جلد ۱ روایتی است در این باب که رسول اکرم صلوات الله فرمودند: زکات علم تعلیم آن است.

همانطور که امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: اگر از خزانه علمی که خدا در اختیار او گذاشته است انفاق کرد؛ این عالم و معلم هدایت شده اما اگر از آنچه می‌داند انفاق نکند و علم خود را از دیگران دریغ بدارد؛ خیانتکار بوده.

۳- صلاحیت اخلاقی:

در اتصاف به اخلاق پسندیده بزرگ معلم بشریت؛ پیامبر اسلام اینگونه فرمودند:

انی بعثت لاتمم مکارم اخلاق

براستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام، (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۱۵۱)

همانطور که امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: پس اگر با آنها که نمی‌دانند احسان و نیکی نمود و از علمی که خداوند به او عطا نموده با مهربانی به آنها آموخت.

۴- صلاحیت علمی:

مربی باید نسبت به موضوعی که تدریس می‌کند مسلط باشد.

امام سجاد (ع) در رساله حقوق:

اما حق جاهل برعالم یا متعلم بر معلم آنست که بداند خداوند متعال او را امام و راهنما قرار داده است به جهت علمی که به او عطا نموده است و کلید خزانه حکمت را به دست او داده است.

امام سجاد (ع) در یکی از فرازهای صحیفه‌ی سجادیه به خدا عرض می‌کند: «واجعلنی

من ادله الرشاد» بارالها مرا از دلایل رشاد و هدایت قرار ده،

رشاد و رشید از ریشه رشد است، یکی از نام‌های خداوند رشید است، در توضیح کلمه‌ی رشید در نهاییه ابن اثیر آمده است که الرشید هو الذی ارشد الخلق الی مصالحهم. او خداوندی است که ارشاد می‌کند مردم را به آنچه مصلحت آنان است یعنی هدایت‌کننده و دلالت‌کننده

مردم به خیر و صلاحشان، هدایت جامعه و ارشاد مردم به عهده‌ی کیست؟ این وظیفه‌ی مقدس در درجه‌ی اول به عهده‌ی انبیاء الهی و در نهایت به عهده‌ی رسول گرامی اسلام (ص) و جانشینان او محول شده است و کسی که در راه آموزش مردم قدم بر می‌دارد در واقع خط مشی رسول اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین صلوات الله علیهم را می‌پیماید.

نتیجه‌گیری

در مجموع میتوان گفت بیان حقوق استاد بر شاگرد و بالعکس از منظر امام سجاد علیه السلام نشان از اهمیت مقام استاد و شاگردی دارد تا آنجا که این حقوق را بالاتر از حقوق والدین و پیش از آن عنوان نموده‌اند.

در خصوص حق دانشجو ایشان رفتار معلم را همچون والدینی دلسوز دانسته که نیکخویی را اولویت قرار داد و حتی درشتخویی بر متعلم را باعث بازگیری نور معنوی مقام معلم از دل استاد دانسته‌اند که این امری حساس و حیاتی برای معلم است. امام سجاد (ع) صفاتی چون خلوص نیت، صلاحیت اخلاقی و علمی و انفاق علمی را برای استاد لازم دانسته‌اند.

پیشنهادها:

از مزایای این رساله روانی و شیوایی موارد بیان شده است و توجه به این حقوق امری مهم است. لذا پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بخشی از موارد مورد توجه در کارگاه‌های علمی اساتید مورد بحث و تحلیل قرار گیرد.
- ۲- فصولی مورد تدریس برای دانشجویان از مباحث رساله حقوق امام سجاد علیه السلام در نظر گرفته شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فارسی فولادوند.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۱ق، من لایحضره الفقیه: بیروت، دار الصعب، ج ۲ / ص ۶۱۳.
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد، ۱۳۷۸ش، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه حسین شیخ الاسلامی، نشر انصاریان، قم، ج ۴، ص ۱۰۴ و ج ۵، ص ۳۵۱.
۴. ایمانی پور، معصومه. ۱۳۹۱، استاندارد های اخلاقی آموزش از منظر دستورات اسلامی. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۵ (۰ و ۳) ص ۸۸.
۵. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۹۳، نهج الفصاحه (کلمات قصار رسول اکرم (ص))، حدیث ۴۵۰، انتشارات بدرقه جاویدان، قم.
۶. تهرانی، جواد سعید. ۱۳۹۱، تأثیر آموزه‌های الهی در اخلاق در آموزش. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۵، ۷۲.
۷. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه دهخدا، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۸. جمعی از محققین، ۱۳۸۵، نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)، تهران، راسخون، ص ۱۵۸ تا ۱۶۲.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۱، (أبواب أحكام اولاد، باب ۸۷، ۲۶۸).
۱۰. رهنما اکبر، بهار ۱۳۸۶، "آسیب شناسی تربیت دینی دانش آموزان دوره متوسطه از دیدگاه مدیران و دبیران دینی شهر قم." مجله: پژوهش های تربیت اسلامی « سال دوم - شماره ۱، ص ۷-۲۰.
۱۱. سپهری، محمد، ۱۳۷۲ش، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام، چاپ دوم، قم، دارالعلم، ص ۱۹۵.
۱۲. عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۱ش، چهارده نور پاک، چاپ اول، بخش ۶.
۱۳. فصلنامه پژوهش‌های تربیت اسلامی، تهران ۱۳۸۶، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش سال دوم، شماره ۱.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ج ۷۸، ص ۳۰۹. بیروت.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء: ۲/۴۴ ح ۱۳.
۱۶. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، الکافی، دار الحدیث، چاپ اول، قم ج ۱، باب النوادر، حدیث ۸، جلد یک ص ۵۱.
۱۷. متقی هندی، علاء الدین علی، ۱۴۰۹ق، کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال، تحقیق و تصحیح شیخ بکری حیانی و شیخ صفوة الصفاء، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۳، ص ۱۵۱، ح ۳۶۴۷۲.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، چاپ سوم، ج ۷۷، ص ۱۶۵. بیروت.
۱۹. محدث نوری، مستدرک الوسائل، نشر آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۲۰۳.
۲۰. محمدی ری شهری، ۱۳۹۰، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۶۱۰ حدیث ۱۷۷۱.

۲۱. مظفری، محمد، ۱۳۸۹ش، ویژگی‌های مربی و استاد پویا، مجله مربیان، شماره ۳۸.
۲۲. نوایی نسرین، جهانیان ایمان، حاجی احمدی محمود و پروانه منیره. تابستان ۱۳۸۹، شاخص‌های استاد مطلوب از دیدگاه دانشجویان مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بابل: دوره ۱۲، شماره ۱ (ویژه نامه آموزش پزشکی)؛ از صفحه ۷ تا صفحه ۱۳.
۲۳. ورام بن ابی فراس المالکی الاشری، ابی الحسین، ۱۳۷۸ش، تنبیه الخواطر و نزهه النوادر (مجموعه ورام)، مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه، تهران، جلد ۲، ص ۱۲۱ و ص ۲۳۳.
۲۴. یثربی کاشانی، سید محمد، ۱۳۹۲ش، سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، سلسله گفتارهای آیت الله یثربی، ۵، انصاریان، جلد ۳.

25. http://heyatemaktabolbagher.epage.ir/fa/module.content_Page.30

26. <http://www.tebyan.net/newindex>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی